

یه عتلق نافرجهام

فقط یه اسمه

اسمی که می‌خواه از دیگران پنهونتن کنی،
اما هرگز از خودت

پنهون نمی‌مونه





عشق پنہان





سانگه ژی!



بله؟

بلند شدن



الان پی گفتیم؟ برای
بچه‌ها بگو!



زاویه ۴ میشه
۷۲ درجه.





عه پمولا پیشمام، درست جواب داد...



حتی اگه جواب درست رو از قبل می دونستی، بازم باید به درس گوش بدی!

فکر نکن اینقدر خوش شانسی که هر دفعه نمره تستت کامل بشه!

جسارتا بنظر من که از خوش شانسی نیست...

چون من همه تستامو کامل گرفتم.

BANG!

ناصر جوابی هم که
می‌کنی چرا! به به!
فحالت نمی‌گشتی؟ پمخزه
آب نداری؟ اصلاً آگه
اینقدر بدلی، نظرت پیه
بیای به پیمها درس
بزی؟



ولی آگه من به بچه‌ها
درس بدم، پس شما
اینجا چه کاره‌ای؟ فکر
نکنم دیگه معلم نیاز
داشته باشیم.



HAHA!



صبر کن بینم،
احساس می‌کنم گند زدم...

سانگزی!

فردا با مامان بابات
میای مدرسه!





اینگا

حرف...



سانگژی!

توهم با این زبون
درازت، مامانت بنده
خدا این ماه دوبار اومده
مدرسه!



تازه این دفعه اصلا
نمی دونم چی شد که
عصبیش کردم...

انگار واقعا خیلی دوست داره
ننه بابای منو ببینه، حتی اگه
مشکلی هم نباشه باز بایه
بپونه ای می کشونتشون
مدرسه.

همین طور که همه ازت توقع
دارن، تو کل درسات نمره هات
عالین،



ولی ناموسا تو
بقیه چیزا رییدی...



هاها سانگ ژی،
داری میری کتاب فروشی
کلک-؟

دقیقا برم اونجا چه
گوهی بخورم؟



که فو ژنگ چو رو
ببینی دیگه! مگه ازت
نخواستہ بری اونجا
دیدنش!

اون که آره منتها من
قرار نیست برم.



بهتره جا این کار بشینم فکر کنم ببینم
پا این استاد کچل چن چیکار کنم.



Sang Yan

orange

باز
کردن

عه چرا نمیری؟ فوژنگ چو که
خیلی کیوتهه!!

طیبت طیبت

تیبت تیبت

بخدا باید بری چشم پزشکی
بگی یه نگاه به چشات
بندازن، من که همه چی تو این
می بینم الا کیوتی.

داداشی، تعطیلات دانشگات زودی
شروع میشه، نه؟

میشه فردا بیای فونه؟

(TAT)

فقط من که نیستم، خیلیا
فکر می‌کنن اون کیوت و
خوشگله!

عیب نداره می‌تونین همه باهم
برین چشم پزشکی.

ناموسا نمی‌خوای بری...?

نوچ.

چی؟ چون قراره فردا با ماما بابات
بیای؟ می‌ترسی مامانت دوباره
دعوات کنه؟

هیچ کدومو نمیارم
مدرسه.

خب چرا این دفعه با بابات
نمیای؟

بعدش می‌خوای چیکار
کنی؟ اگه نیان که استاد
کچل چن بهشون زنگ
می‌زنه خب.

و این دقیقا وقتی که
برادرم برای اولین بار تو
زندگیم بدردم می‌خوره~

PING



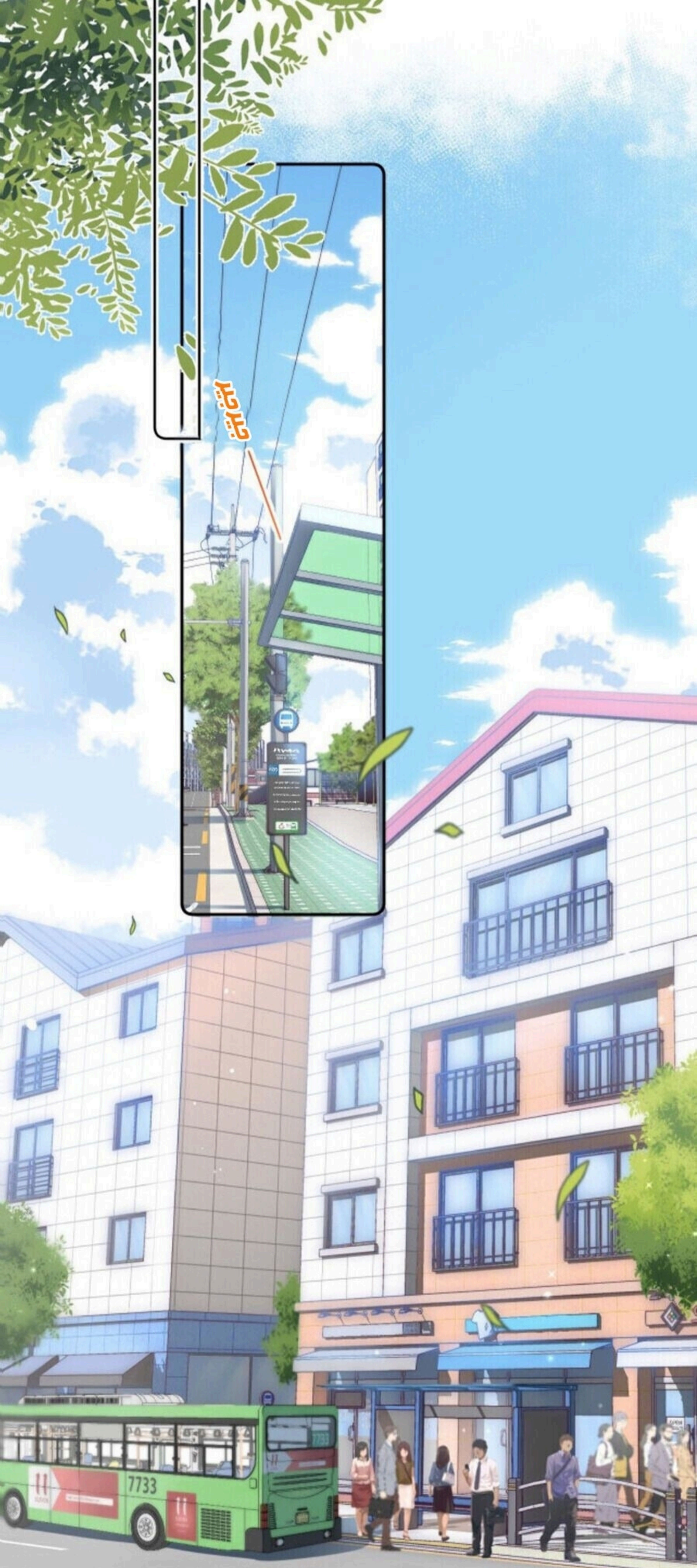
اوه چوپا داد!



???

اگه تو فونه باشی که اصلا نمیام







اگه می دونستم اینجوری میشه
بهاش بهتر رفتار می کردم...



یواشکیا...

خوش اومدی، ژی ژی



تکون خوردن

لقب: ژي ژي.

چه بدبختی ای... قطعاً نمی توانم
تنه پیامو دوباره وردارم پیرم
مدرسه...

چه گوهی بخورم
الان...؟

بیا اینارو ببر اتاق داداشت،
اون الان...

پیی؟ داداش جونم
برگشته؟

پریدن وسط

خدایا شکرت، نجات
پیدا کردم!

آره، داشت اینورا بسکتبال
بازی می کرد الانم رفته دوش
بگیره.



گرفتن



مردان



بچه امروز چت
شده...

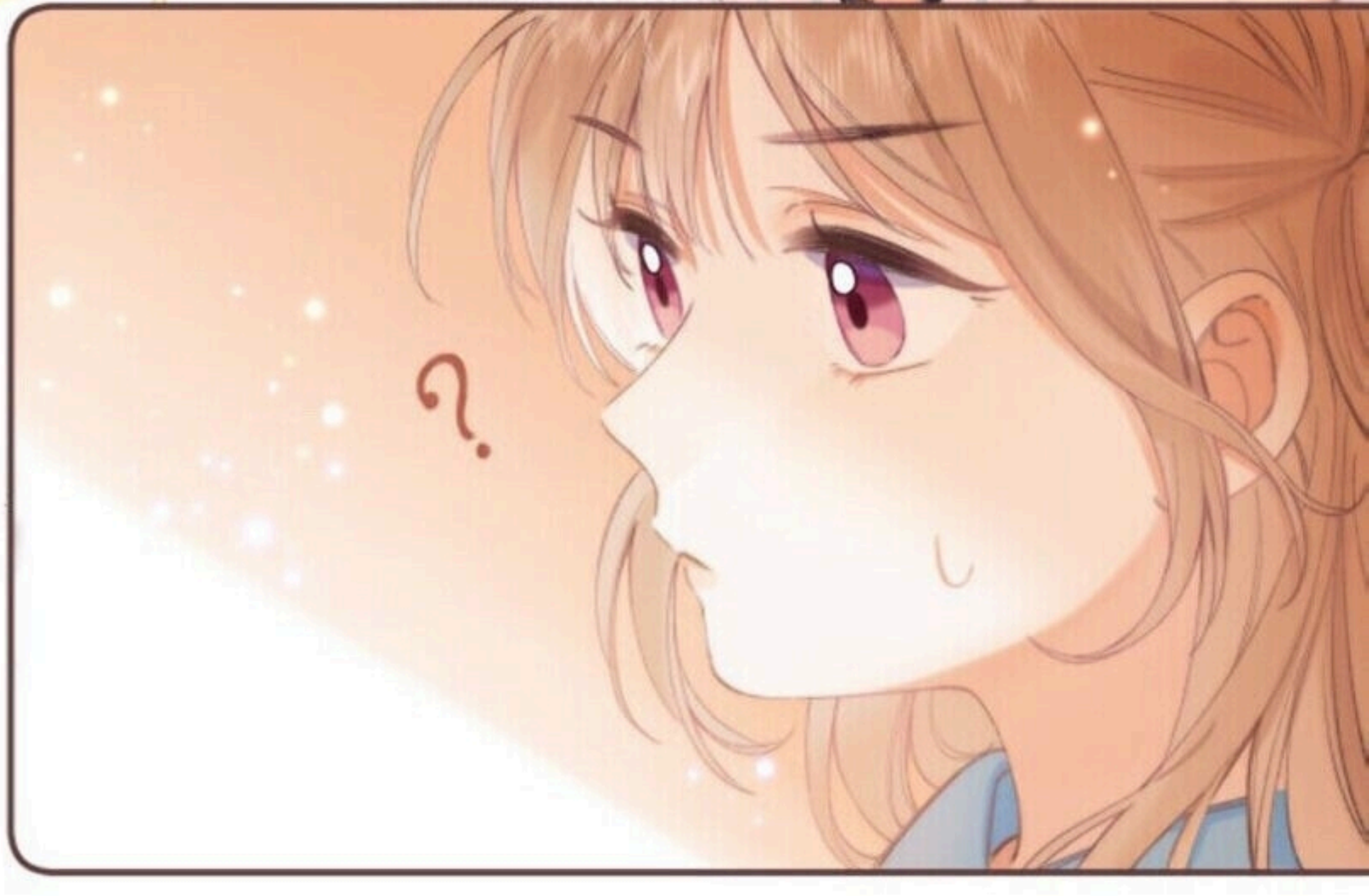
از کی تا حالا اینقدر برای برگشتن دادشش پال
درمیازه؟

داداش

داداش نازم

BEST BEHAVIOR
MODE

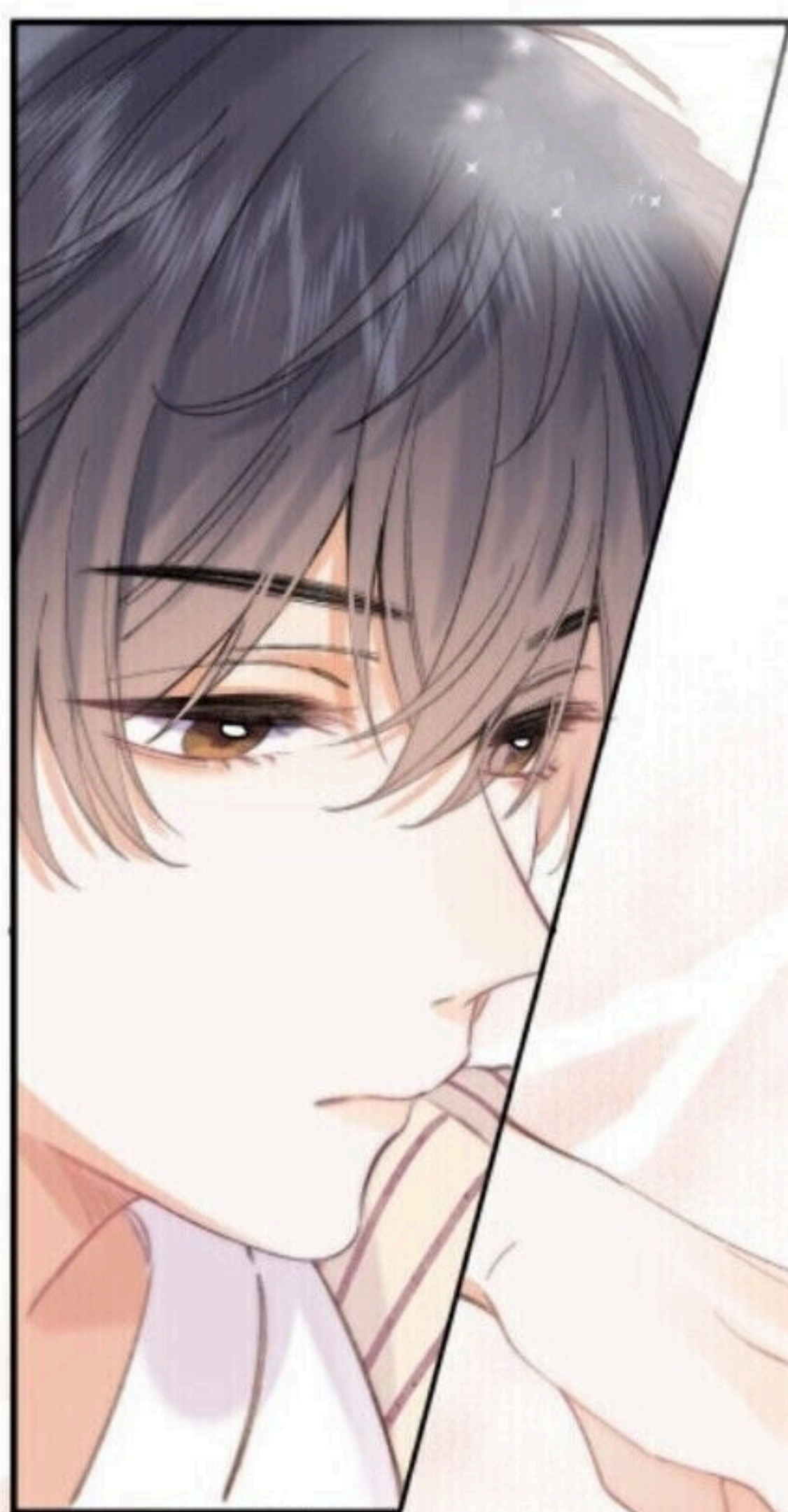
باز کردن



اون اولين ديدار من با دو آن
چيا شو بود



نمی دونم دود توی اتاق اون چوری
گیجم کرد یا...



اما...

.....
چچوری اینقدر عوض شده؟

داداشی؟

ترتیب

یه لبخند زیبا توی چشماش
بوده...



ہوم؟

ایں واقعا د اداش منہا؟
یا نرا دانشگاہ بہش
سائنہ!

کہ باعث شد پیہویی پاور کنم
خدا ہم وجود دارہ...

عقب
افتن

ایں چند ماہ کہ نیومدی
خونہ....

بزللی پلاستیک کردی
د اداشم؟

